



۲۰۶/۰۶/۰۷



دوکتور محمد ظاهر عزیز

حرمت سخن و قلم

در قرآن کریم، کتاب مقدس مسلمان ها، سوره ای به نام قلم مختص گردیده است که خود به بزرگی و مقام قلم حکم می نماید. در آیت (۱)، سوره قلم، خداوند (ج) به قلم و آنچه می نویسد، قسم یاد می نماید. از همین جهت است که در فرهنگ اسلامی، مسلمانان صاحب عقیدت به قلم و سخن مقام و حرمت بزرگی قایل اند. مراد از سخن در این جا نوشتن است یعنی آنچه قلم می نویسد و شایستگی نوشتن و گفتن را دارد. ضمناً مراد آن نوشتن و گفتن است که به مقام انسان به صفت انسان، حرمت بگذارد و شخصیت او را نگهدارد. قلم که مقام بزرگ دینی دارد و آنچه می نویسد، به نزد خداوند (ج) محترم است، لذا نباید قلم را برای نوشتن کلماتی که به شخصیت انسان تعرض گردد، بکار برد و اگر گاهی کسی به چنین کاری دست بزند یعنی با قلم مطالبی بنویسد که به شخصیت انسان تعرض کرده است، به قلم که به نزد خداوند (ج) محبوب است، بی حرمتی نموده است و در حقیقت به شخصیت خودش حمله نموده است. این کار شایسته نویسنده که انسان است، نیست.

انسان های صاحب فرهنگ می دانند که مکتوب و کتاب در اعتلای شخصیت انسانی و سیر انتقال دانش نقش بسیار بزرگ دارد. قلم که سخن انسان را از نسلی به نسل دیگر انتقال می دهد و در تکمیل شخصیت انسانی و اعتلای مدنیت سهم می گیرد صاحب احترام است. پس گناه است اگر قلم را برای نوشتن کلمات و سخنی که در جمله سخن های انسان های صاحب فرهنگ و با تربیت نباشد، به کار برد.

یکی از دانشمندان صاحب قلم، قلم را چنین تعریف می نماید. "کتاب حیات آدمیان با سطور اصحاب قلم رنگ می گیرد و از سطر سطر کتاب ها می توان راهی به سوی نور و حقیقت گشود. شیره جان اندیشمندان و فرزندگان از نوک قلم های شان جاری می شود و در کام مخاطبان و خوانندگان ریخته می شود و آنان را جان و جلای تازه می بخشد. نویسندگان وقتی قلم بر کاغذ می کشند، گویا اشک می ریزند و با آب دیدگان سطور کتاب جان خویش را می نگارند. امید که حرمت قلم را پاس داریم و آنرا به نا حق بر کاغذ ندوانیم"

خوانندگان محترم!

به این نوشته از گفته های زرتشت: "پندار نیک، گفتار نیک، کردار نیک" حتماً مطلع هستید.

زمانیکه ما از رسالت گفتار نیک و یا مکتوب و کتاب که با قلم از نسلی به نسل دیگر انتقال می نماید و در ارتقای شخصیت انسانی انسان ها سهم می گیرد حرف می زنیم، هدف غائی و اصلی در این گفته انتقال میراث نیک است از یک نسل انسان به نسل دیگر، لذا هدف نهائی و اصلی در گفتار نیک و پندار نیک انسان است که باید با حرمت و با

در نظر داشت مقام انسان از راه قلم یعنی نوشتن به او انتقال نماید. در گفته و نوشته ای که شخصیت انسان مراعات نگردد، شخصیت نویسنده مورد سؤال قرار می گیرد و نوشته او را بی اهمیت و بی ارزش می سازد.

با ارائه مطالب فوق، به وضاحت می گویم که من به هیچ صورت آرزو ندارم که آزادی فکر و بیان و نوشتن را که از جمله حقوق و ارزش های انسانی می شمارم و در این راه در طول سال های چند جد و جهد نموده ام، در مضیقه سیاست های دولتی و یا نشراتی قرار دهم. من کاملاً متقاعد گردیده ام که آزادی فکر و بیان، مطبوعات و نشرات آزاد، در توسعه فرهنگ عامه، پایه گذاری و یا تکامل نظام های اجتماعی و دیموکراسی، خدمات نهایت بزرگی انجام می دهند و از نیازهای جوامع، خاصاً جوامع پسمانده به شمار می روند. بعضی ها به این نوع سیاست و ستراتیژی آزاد مطبوعاتی غذای روحی و یا کلید دیموکراسی خطاب می نمایند و راست هم می گویند چونکه در رشد فکری همه طبقات جامعه نقش نهایت مهم دارد.

گفتن و نوشتن و سیاست مطبوعات آزاد برای افغان ها بسیار مهم و پر ارزش است زیرا در وطن ما اظهار آزادانه منویات فکری و علمی و ابراز نظر آزاد از طریق گفتن و نوشتن با ارتباط کمبودی های تخنیکی و محدودیت های خاص سیاسی، مطبوعاتی و نشراتی دولتی، تأریخ دراز مدت ندارد. فلهاذا، گفتن و نوشتن صائب با مراعات حقوق انسانی، اجتماعی و سیاسی دیگران حتماً در ارتقای فرهنگ عمومی مردم نقش صاحب قدر دارد و از ضرورت های اصلی جامعه امروز و فردای ما محسوب می گردد.

در کشورهایی که از حقوق انسان ها از طریق قوانین معتبر و عامه، روش ها و اصول دیموکراسی و عدالت و دستگاه های با اعتبار عدلی و فارغ از فساد دفاع می گردد، برای اینکه حقوق آزادی های فکر و بیان از طریق ایراد کنفرانس ها، رسانه های گروهی یعنی وسایل سمعی و بصری و طباعتی دائماً بر حق باقی بمانند و حتی حقوق آنچه نویسندگان و هنرمندان به میان می آورد حفظ گردد تا کسی به ثمره گفته و هنر آنها تجاوز نکند، قوانین مطبوعاتی و نشراتی وضع نموده اند. لذا از طریق قوانین، حقوق دستگاه های نشراتی، طباعتی و نویسندگان و هنرمندان حفظ می گردد. در حدود مقررات مذکور حقوق کسانی که می شنوند و می خوانند و یا آنانی که بر آنها تعرض می گردد، نیز حفظ گردیده است و به این صورت به سخن گویان زبان دراز و یا نویسندگان تیز قلم اجازه داده نمی شود که دور از حدود تعیین شده توسط قانون، آنانی را که می شنوند و یا می خوانند وسیله ارضای تشنگی زبانی و یا قلم خود بسازند و یا از طریق گفتن و نوشتن به شخصیت مردم و عقاید سیاسی و مذهبی و وابستگی های قومی و فرهنگی آنان تجاوز نا جایز نمایند و یا اینکه به احساسات مردم و یا طبقه ای از مردم لطمه ای وارد سازند و به این صورت نا آرامی، اسباب تشنج و خشونت های اجتماعی و سیاسی را ایجاد کنند.

من اطمینان کامل دارم که تمامی دستگاه های نشراتی و مطبوعات بیرون مرزی که از طرف افغان های مقیم آن کشورها اداره می شوند، خاصاً آن دستگاه هایی که در کشورهای غربی هستند، حتماً در قید قوانین مطبوعاتی و نشراتی ممالک مربوط می باشند و این دستگاه ها می دانند که تعرض ناسالم به شخصی و یا گروهی از مردم، ناجائز است و شاید جرم محسوب گردد. آنانی که قدر و منزلت کلام را می دانند، عفت و حرمت قلم را نیز حفظ می نمایند.

"سخندان پرورده، پیر کهن - بیندیشد آنگه بگوید سخن"

دانشمندان صاحب سخن و نویسندگان صاحب قلم در موقع حقیقت‌گویی و راست‌نویسی، در حالی که همه حقایق را به زبان می‌آورند و یا می‌نویسند، مقام و مرتبت والای سخن و قلم را حتماً مراعات می‌نمایند و نمی‌گذارند که به سخن و قلم هتک حرمت گردد و به این صورت با حسن گفتن و نگهداشتن عفت قلم، به گفته و نوشته‌ای خویش، او خود منزلتی را روا می‌دارد، مگر اینکه نویسنده بر حسب شوخی و یا طنز ادبی، حرف و کلمه‌ای را نصیب کسی نماید و یا فهمی را در قالب گفته ادبی بیان کند.

از سخنگوی صاحب‌تعلیم و نویسنده صاحب‌دانش حد اقل این امید می‌رود که در موقع اظهار عقیده، بیان و نوشتن و حقیقت‌گویی، در حالیکه کوشش خواهد کرد که راست‌گو باشد، همه جنبه‌های اخلاقی سخن و قلم را مراعات می‌نماید در غیر آن مقام والای قلم را کمتر درک نموده است. بیان راستین و یا راستی را به زبان قلم آوردن، گناه و یا تحقیر قلم نیست، اما دشنام و بدگویی و تعرض به شخصیت کسی و یا خانواده او، نه در حرمت و مقام سخن جا دارد و نه شامل در عفت قلم است.

"حرف بد ناوک دل‌دوز بود – همچو تیری ز جگر می‌گذرد"

تعرض به شخصیت کسی بنا بر اختلافات شخصی و یا با ارتباط عقیده سیاسی متفاوت، هم ناجائز و هم از اخلاق انسانی دور است زیرا اسباب تشنج و خشونت بار آورد اما در حقیقت، به شخصیت نویسنده و گوینده لطمه وارد می‌نماید.

همه می‌دانند که زبان قلم برنده‌تر از دم شمشیر است و اگر با فهم و تعقل نیک استعمال نگردد، زبان و گردن بیرد و زمینه تشدید دشمنی مردم و جامعه را وسیله شود. حیف است اگر شخصی و یا تعدادی از مردم وطن به ناحق و یا با ارتباط تفاوت‌های قومی، زبانی، مذهبی و یا تفاوت عقاید سیاسی با شخص دیگری، در دم چنین شمشیری قرار گیرند.

پایان